

# توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال شانزدهم  
شماره ۱۸۱ فروردین ماه ۱۳۹۴ - آوریل ۲۰۱۵

## سومین پلنوم وسیع حزب کار ایران (توفان) بعد از کنگره چهارم

پلنوم وسیع حزب کار ایران (توفان) در ماه گذشته بعد از وحدتی که میان حزب کار ایران و «تشکل مارکسیستی - لنینیستی توفان و راه آینده» صورت گرفت در محیطی رفیقانه و با روحیه بالای کمونیستی، برگزار شد و با موفقیت در روند بحثهای تئوریک، سیاسی و سازمانی با نتیجه گیریهای مشخص و راه گشا، به پایان رسید.

از مدتها قبل لزوم تشکیل چنین نشستی به چشم می خورد. رویدادهای جهان و سرعت و شتاب تحولات در اطراف ما چه در عرصه ایران و چه در برخورد به تحولات بین المللی به حدی است که برخورد عقاید و آراء و ایجاد هم نظری سیاسی و اتخاذ تاکتیکهای مناسب بر پایه قبول ایندئولوژی واحد مارکسیسم لنینیسم را طلب می کرد. تضادهای میان امپریالیستها در رقابت و سازش با یکدیگر به نحو روشنی در روی کار آوردن نازی ها در اوکراین و تهاجم گستاخانه و جنگ افروزان امپریالیسم غرب در مناطق نفوذ امپریالیسم ضعیف روس، وضعیت خطرناکی را برای جهان ایجاد کرده است. امپریالیسم آمریکا از طریق غارت جهان و مکانیسم دلار بار بحران خود را به شانه سایر ملل و دول رقیب منتقل کرده به خرج جهان زندگی می کند. غلبه بر بحران و رقابت با سایر امپریالیستها موجب تشدید سیاست تهاجمی و تحقق جنگهای پیشگیرانه امپریالیستی شده است. این افسارگسیختگی و نظریه اجرای سیاست جنگهای پیشگیرانه خطر جنگ را تشدید کرده، ولی این ... ادامه در صفحه ۲

## داعش دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم در تخریب دستاوردهای تمدن بشریت و غارتگر میراث فرهنگی و تاریخی خلقهای منطقه است

در هفته گذشته ما شاهد صحنه های تکان دهنده از تخریب آثار باستانی و نابودی میراث فرهنگی بشریت در شهرهای نینوا، نمرود و هترا در عراق کنونی که یادمانده های دوران کلد، بابل، آسور و سومر است بودیم. مزدوران داعش با ابزار برقی مدرن و غیر برقی سنتی به جان مجسمه ها افتاده بودند تا آنها را به نام اعتقادات دینی و تحت عنوان دستورات و قواعد اسلامی منهدم سازند.

این وظیفه کثیف را ما در بدو تسلط بر قدرت توسط آخوندها در انقلاب ایران، در کشورمان شاهد بودیم. جناح داعش در حکومت اسلامی به رهبری مدرسه حقانی و آیت الله مصباح یزدی و مریدانش در پی آن بودند که تخت جمشید را تخریب کنند، پاسارگاد را از بین ببرند و بر روی نقش رستم و آثار باستانی بیستون لایه ای از بتون بکشند تا به زعم خود "بت پرستی" از میان برود و تاریخ ایران در قیل از اسلام نابود شده و **هویت ملی ایرانیان** از میان رفته و به جایش **هویت اسلامی** بنشیند، تا همه چیز باب طبع آخوندهای داعشی در ایران گردد و سلطه آنها "جاودانی" بماند. این دسیسه استعماری با مقاومت مستمر مردم ایران درهم شکسته شد. البته هنوز هم داعشی های در حکومت در تلاشند که مجسمه های مشاهیر ایران زمین نظیر فردوسی و آریو برزین و... از میان ببرند و به جایش مقابر امامان و امامزاده ها و آقازاده ها که هنوز نساخته، آثار عتیقه اند، بنا کنند.

در قیل از نابودی این آثار فرهنگی بشری در عراق مطبوعات غربی از این حقیقت پرده بر می داشتند که تامین مالی ارتش مزدوران داعش توسط فروش آثار باستانی و سرقت آنها از موزه ها و یا در مخروبه های تاریخی مورد تحقیق باستان شناسان صورت می گیرد. به این مفهوم که آنها این آثار باستانی و میراث فرهنگی بشریت را از طریق مرز ترکیه به اروپا و آمریکا منتقل کرده به پول تبدیل نموده و این مبالغ را خرج تروریسم و نابودی انسانها در منطقه و تسلط امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه می کنند. خریداران این آثار نیز سرمایه داران و موزه های "متمدن" غرب هستند. همان هائی که برای نابودی این آثار اشک ... ادامه در صفحه ۳

## امپریالیسم آمریکا در راه دخالت و تجاوز به ونزوئلا روان است

اوباما در تاریخ دوشنبه، ۹ مارس با گستاخی و بدون هیچ گونه دلیلی کشور ونزوئلا را به عنوان «تهدید فوق العاده برای امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا» اعلام کرد. بلافاصله دولت آمریکا بر مبنای تصمیم فوق، دولت ونزوئلا را با شروع تحریم تهدید نمود.

این اقدام امپریالیسم آمریکا پس از سالها دخالت در امور داخلی ونزوئلا و اقدام به کودتاهای چندی و هم چنین برانگیختن گروهی از اپوزیسیون ارتجاعی ونزوئلا برای خرابکاری و تحت فشار قراردادن دولت قانونی مادورو Nicolás Maduro و Moros و علیرغم شکست این سیاست صورت می پذیرد. و این درست در زمانی است که به موازات آن در حال مذاکره با دولت کوبا جهت ترمیم سیاست های ماجراجویانه و تجاوزگرایانه خود به این کشور است. شاید آمریکا ابلهانه گمان می برد که می تواند در قبال به رسمیت شناختن دولت کوبا، ونزوئلا را به بلعد. ما در پائین به اطلاعیه دولت کوبا و هم چنین به مقاومت وسیع توده های مردم در ونزوئلا و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین که شاهدهی بر آنند که امپریالیسم آمریکا در این محاسبه خود دچار اشتباه بزرگی گشته است، اشاره ای خواهیم کرد.

اما جالب و قابل تأسف آن است که شروع این حملات رسمی که ما را به یاد تهدیدها، دخالت های متعدد و سپس تحریم و تهدید به جنگ نسبت به ایران از سوی این امپریالیسم وحشی و یا به کوبا می اندازد، نه تنها در اکثر کشورهای غربی و تحت نفوذ امپریالیسم های متحده آمریکا و اروپا، بلکه حتی در اغلب رسانه های مرفقی و غیر وابسته نیز با سکوت برگزار گشت.

حال به تاریخچه کوتاه شروع این حملات می پردازیم تا سپس به تحلیل کوتاه و عمدتا واکنش های گوناگون به پردازیم: ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

**سومین پلنوم وسیع حزب...**

جنگ در شکل فرسایشی به روسیه و اماراتش تحمیل می گردد. سیاست بربرمنشانه امپریالیسم غرب برای تسلط کامل بر جهان بر اساس تهدید، نقض همه مقررات و پیمانهای جهانی، تمحیل جنگهای فرسایشی و ویرانگر با نیت نوسازی امپریالیستی، محاصره اقتصادی، نظارت و هدایت کامل بر نظام مالی و مبادلات ارزی، نقض حق حاکمیت دول و تجاوز به تمامیت ارضی ممالک، با تکیه بر مثنی مزدوران بومی داخلی و عناصر آموزش دیده خارجی برای انجام کودتا، تشدید اختلافات ملی و تجزیه طلبی، تقویت عوامل انقلابات مخملی و شخصیت سازی از بی شخصیتهای فریب خورده و یا خود فروخته از طریق اعطاء جوایز ساخته و پرداخته امپریالیستی با نیت استفاده از آنها برای به زیر یوغ کشاندن خلقهای ممالک مورد نظر و... می باشد. امروز امپریالیسم و گماشتگان جهانی وی هجوم بنیان براندازی را در پس سپر جهانی کردن سرمایه، خصوصی سازی، درم کوبیدن مرزهای ملی و اقتصادی و گمرکی ملتها و... آغاز کرده اند. این هیولای یانکی با این یورش سهمگین بزرگترین و خطرناکترین لشکرکشی تاریخ بشری را تدارک می بیند و آغاز کرده است. در اثر این تهاجم ضد انسانی و وحشیانه، کشورهای فلسطین و عراق، افغانستان و لیبی، سوریه و بسیاری ممالک آفریقا در هم کوبیده شده و میلیونها انسان به قتل رسیده و میلیونها نفر دیگر خانه بدوش شده اند. امپریالیسم غرب به رهبری امپریالیسم آمریکا را چه غم که چه بر سر مردم جهان می آید. آنها در پی آنند که همه ملتها را از طریق جهانی کردن بطور عمده سرمایه های آمریکائی و حضور نظامی در کشورها برای غارت به اسارت در آورند، تولید انرژی جهان را در انحصار خود بگیرند، همه منابع طبیعی ممالک را صاحب شوند و استعمار نوین را به استعمار وحشیانه کهن بدل کنند و مزدوران روشنفکر آنها در جلوی صف سینه می زنند، عریان می شوند و از "دموکراسی ناب"، "دموکراسی بی قید و شرط"، "حقوق بشر"، "آزادی بیان" و... داد سخن می دهند و همه آنها "شارلی ابدو" شده اند، ولی حاضر نیستند از حقوق ملت فلسطین، حقوق کشورها در حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی خود نظیر کشور سوریه و یا لیبی حمایت کنند. برای آنها صرف دیکتاتوری بشار اسد و یا معمر قذافی کافی است تا بزرگترین جنایتکار تاریخ بشری، بزرگترین مدافع دیکتاتورها و آدمخورها در طول تاریخ، یعنی امپریالیسم آمریکا، تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی این کشورها را مورد حمله و تجاوز قرار دهد و میلیونها مردم این ممالک را به قتل برساند. آنها از جنایات صهیونیسم در فلسطین و نسل کشی در مناطق اشغالی به بهانه حضور سازمان مقاومت اسلامی فلسطین یعنی حماس حمایت می کنند، آنها مزدوران امپریالیسم آمریکا و ستون پنجم آنها در ممالک مورد نظر امپریالیسم هستند، ممالکی که در استراتژی امپریالیسم و منطبق بر سیاست راهبردی اطفاهای فکری آنها باید مورد تهاجم قرار بگیرند.

حزب ما در سومین پلنوم وسیع خود چهره این خودفروختگان را که می خواهند آنها را در زیر پوست پیاز بخواباند افشاء کرد. حزب ما نه تنها خصلت اوضاع کنونی را بررسی نمود بلکه مقاومت ممالک جهان نظیر ونزوئلا، اکوادور، بولیوی، نیکاراگوئه، شیلی، السالوادور، برزیل، آرژانتین و... در مقابل زورگونی و زیاده خواهی های امپریالیسم را مورد تحلیل قرار داد و این مقاومت را علیرغم اینکه پایه سوسیالیستی نداشته و متکی بر حمایت از مبارزه طبقه کارگر این کشورها نیست، علیرغم اینکه همه این ممالک سرمایه داری بوده و بر استثمار انسان از انسان متکی هستند مورد تائید قرار داد. دسته بندیهای شانگهای، بریکس، ایجاد پول مشترک در مقابل دلار و یورو برای درم شکستن بند اسارت مسلط بر مبادلات ارزی در جهان از نظر حزب ما مثبت ارزیابی شد. تغییر توازن قوای جهانی به ضرر امپریالیسم غرب در شرایط کنونی جهان به نفع مبارزه طبقه کارگر، خلقها و صلح جهانی تمام می شود. به این جهت دفاع از حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، دفاع از صلح، مبارزه با جنگ طلبی و تجاوز از خواستههای حزب ما می باشد.

حزب ما در سومین پلنوم وسیع خود وضعیت ایران را نیز مورد بحث قرار داد. تمام جناحهایی که از بعد از انقلاب بر سر کار آمده اند، بدون استثناء در جهت امیال صندوق بین المللی پول و بانک جهانی گام برداشته اند. سیاست تعدیل اقتصادی رفسنجانی در باز پس گرفتن دستاوردهای انقلابی مردم ایران بعد از انقلاب بهمین، با موبذگری احمدی نژاد و باند مافیائی وی در از بین بردن موسسات حسابرسی در ایران، حذف یارانه های دولتی با شیوه جدا کردن شکل کالائی یارانه و تبدیل آن به کمک هزینه زندگی که حذف آن راحت باشد، کامل شده است. انتخاب روحانی که نماینده "منتخب" توده های مردم است، باید آن پایه سیاسی مورد نیاز را در ایران برای همکاری با امپریالیسم آمریکا فراهم آورد. همین که مذاکرات هسته ای در پس پرده و بدور از چشم مردم ایران و بدون شرکت دادن نمایندگان دست نشانده خودشان در مجلس اسلامی در جریان است، حاکی از ناسالم بودن آن و ترس از مردم است تا کسی متوجه نشود که آنها برای حفظ و بقاء خود در قدرت تا به چه حد به امپریالیستها امتیاز می دهند و مصالح ملی ایران را بر باد می دهند. پاره ای از نمایندگان امپریالیستها به روشنی اعلام کرده اند که تصمیمات مشترک اروپا و آمریکا با ایران فقط تا روی کار بودن آقای اوباما اعتبار دارد و بعد از آن از درجه اعتبار ساقط است. آنها راه هرگونه جر زدن را باز گذاشته اند. کسی نیست که در این گپرو دار خواست "راست آزمائی" و "احترام به وعده و توافقات" را از امپریالیستها طلب کند و توضیح دهد که با این سیاست قلدرمنشانه هیچ سنگی بر سنگ دیگر در جهان استوار نخواهد ماند. با این منطق همه توافقات جهانی بی اعتبار هستند و تنها زبان گلوله بر جهان حاکم است. امپریالیستها هیچگاه به تصمیمات خود احترام نگذاشته اند و مصالح استعماری خویش را همواره مرجع دانسته اند. این اصل را باید ممالک تحت ستم جهان درک کنند. دولی که این حقایق را از مردمشان پنهان

می کنند به زیر بال حمایت امپریالیستها می خزند. در مورد مذاکرات هسته ای شایعات زیادی به چشم می خورد. آنطور که شنیده می شود نمایندگان ایران به سازشی خفت بار تن در داده اند و آینده برنامه تامین انرژی در ایران، آموزش فنآوری و پیشرفتهای علمی، تلاش برای کسب استقلال اقتصادی را در پای منافع بانک جهانی و حضور سرمایه های امپریالیستی برای غارت و ممانعت از تحول، ترقی و پیشرفت در ایران قربانی کرده اند. مذاکرات هسته ای تنها قله کوه سازشاست که به نظر می رسد. امپریالیستها برای تسلیم ایران و به زانو در آوردن و نقض حقوق کشورمان تنها به نتایج دلخواه مذاکرات هسته ای قانع نیستند. بسته آنها در مذاکرات شامل سیاست خارجی ایران نیز هست. ایران باید در کنار عربستان سعودی و ترکیه به دست دراز شده امپریالیستها بدل شود و صهیونیستها را به رسمیت شناخته و بر ضد جنبشهای مردم منطقه برضد امپریالیسم و صهیونیسم وارد عمل شود. جمهوری اسلامی باید به اردوگاه امپریالیسم غرب نزدیک شود. از بریکس، اتحادیه شانگهای و دسته بندیهایی که نفوذ امپریالیسم غرب را کاهش می دهد پرهیز کند و ایران را مانند زمان شاه به پایگاه امپریالیسم آمریکا بدل کند. این خطری است که استقلال و تمامیت ارضی ایران را تهدید می کند.

تنها سرنگونی این رژیم سرمایه داری بدست پرتوان مردم ایران است که تضمین ادامه انقلاب بهمین و رهائی جامعه ایران از دست جناحهای مافیائی در قدرت است که جز غارت، رانت خواری، فساد و ادامه وضع فعلی هدف دیگری ندارند. این حاکمیت در تمامیت خویش دورنمای دیگری برای تحولات جامعه ایران نداشته و نخواهد داشت. آنها تنها می توانند همین وضعیت را بازتولید نمایند ولی نمی توانند این چارچوب را بشکنند و جامعه ایران را بیاری مردم با شکستن این سدها و موانع داخلی و جهانی به پیروزی و رهائی رهنمون شوند. این جناحها هر دو یا هر سه و یا هر چند ... همه و همه سراسر تا مغز استخوان ضد انقلابی اند. نزاع آنها بر سر توسعه اقتصادی بر اساس مخالفت با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی و... نیست بر سر تصاحب سهم بیشتر از اموال عمومی است. در غیر این صورت باید به مردم متکی می شدند و مردم را برای تحقق خواستههای انقلابی بسیج می کردند. رویدادها نشان می دهد که آنها از تجمع و تشکل مردم، از حضور مردم در میدان مبارزه می هراسند. حتی از مبارزه مردم در دفاع از خلق فلسطین و یا مخالفت با تجاوز داعش و یا حمایت از حق مسلم مردم ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای ممانعت می کنند.

زحمتکشان ایران باید این بورژوازی در قدرت را سرنگون سازند و جامعه ایران را با استقرار سوسیالیسم از این گردباد بی پایان بیرون بکشند. تنها طبقه کارگر ایران رسالت این رهائی را به عهده دارد. به این جهت نیز ایران در مرحله انقلاب سوسیالیستی است و نه مرحله ساختگی و تقلبی "ملی و دموکراتیک" که از جانب حزب رویویونیستی توده ایران برای فریب کمونیستهای واقعی و همدستی با رژیم آخوندها ساخته ... ادامه در صفحه ۳

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران**

**سومین پلنوم وسیع حزب...**

و پرداخته شده است. حزب رویزیونیستی توده ایران بعد از کنگره ششم خود تصمیم گرفته در قالب "سوسیالیسم رقیق" و مورد پسند آخوندها - مردم را با "تئوری گزینش میان بد و بدتر" تا ابد به گمراهی بکشد و مجدداً به سلاخ خانه طبقات حاکمه برسد. حزب ما در نشست پلنوم خود به این سیاست موزیانه پرداخت و جوانب آنرا برای همه رفقای حزبی برملا و تشریح نمود. روشن است که حزب کار ایران (توفان) مبارزه علیه حزب رویزیونیستی توده ایران را که هدفش فریب طبقه کارگر به روش خروشچف و زیگاتوف است با سرسختی در تمام زمینه ها افشاء خواهد کرد. حزب ما دل و روده برنامه رویزیونیستی مصوب کنگره ششم حزب توده ایران را بیرون خواهد ریخت تا کمونیستهای صدیق ببینند که از سنت انقلابی و کمونیستی حزب توده ایران در دوران شوروی استالینی چیزی باقی نمانده است. حزب توده ایران تنها با اتکاء به قهرمانی کمونیستهای ایران قصد دارد چهره خود را سرخ نگهدارد ولی موفق نخواهد شد. در نشست سومین پلنوم وسیع مطالب بسیاری مورد بحث قرار گرفت که ما با توجه به محدودیت صفحات ارگان حزب بتدریج به آنها خواهیم پرداخت.

\*\*\*\*\*

**داعش دست دراز شده...**

تساح می ریزند. نشریه کلنراشتات آنسایگه چاپ آلمان در شماره ۲۰ اکتبر ۲۰۱۴ می نویسد که ارتش داعش که بهترین سلاحهای مدرن را در بازارهای سیاه!! تهیه می کند، بهای آنها را از طریق فروش آثار باستانی در بازارهای جهان به کف می آورد. آقای میشل وان ریجن Michel van Rijn یکی از موفقیترین قاچاقچیان آثار عتیقه و آثار تاریخی و هنری در جهان در قرن گذشته، اعتراف می کند: "بسیاری از گردآورندگان آثار عتیقه به صورت غیر داوطلبانه از داعش حمایت می کنند". مرکز نقل و انتقال و خرید و فروش این آثار در آلمان است. "معامله با کالاهای عتیقه بسیار پربرکت است و اف بی ای FBI حدس می زند که این تجارت غیر قانونی هر ساله ۷ میلیارد دلار سود دارد". نشریه زود دوپچه سائوتونگ مورخ ۸/۷ ماه مارس ۲۰۱۵ تحت عنوان مقاله "پایان زمان در دجله" می نویسد: "دولت اسلامی از آثار فرهنگی دیگران نفرت دارد، ولی از غارت آنها بهره می جوید. بونسکو از "تصفیه فرهنگی" سخن می گوید. مهمترین روحانی شیعه در عراق آیت الله علی ال سیستانی در نماز جمعه مردم را به مبارزه بر ضد این سازمان تروریستی فرا خواند که نه انسانها و نه سنگها از دستشان در امان هستند". نشریه زود دوپچه سائوتونگ در آلمان به تاریخ ۲۰۰۳/۰۴/۰۴ در زمان تجاوز امپریالیسم آمریکا بر اساس نقض روشن حقوق ملل به عراق نوشت که یکی از اهداف جانبی این تجاوز غارت موزه های آثار باستانی و عتیقه جات عراق و انتقال آن به بازارهای جهان و از جمله آمریکا بوده است. در این روزنامه می آید: "نگرانی بیشتر از فعالیت گروهی شصت نفره شامل عتیقه فروشان آمریکائی، وکلای

مدافع، دانشمندان و مدیران موزه ها ناشی می شود که از یکسال قبل (توجه کنید یکسال قبل از تجاوز به عراق-توفان) تحت نام شورای آمریکائی برای سیاست فرهنگی American Council on Cultural Science تشکیل شده است. هدف آنها آنطور که مجله "علم" بیان کرده است، تلاش برای تسهیل قوانین آثار عتیقه عراق پس از جنگ در زمان استقرار حکومت تحت کنترل آمریکا و تسهیل قوانین صدور آثار عتیقه از آن کشور است. نشریه فوق که زبان امپریالیستها را خوب می فهمد اضافه می کند: "کوتاه کنیم هدف، غارت قانونی تمدن میانرودان (بین النهرین، مساپوتانیین) توسط آمریکائی هاست آنهم بعد از آنکه بمب افکنهای آمریکائی کشور را ویران کردند و شرکتیهای آمریکائی سودهای سرشار از باز سازی عراق به چنگ آوردند". در این تجاوز بیرحمانه بسیاری از آثار تمدن بشری نابود شدند.

مطبوعات عراقی خبر دادند که موزه ملی بغداد ۱۲ سال پس از این غارتگری در زمان تجاوز آمریکا به کشور عراق بازگشایی شد و گفته می شود ۱۵ هزار قطعه تاریخی از این موزه به غارت رفته است که از این تعداد ۴۳۰۰ قطعه بازگردانده شده است و مقامات عراق به دنبال ۱۰ هزار قطعه دیگری هستند که در بازارها و عتیقه فروشیها به فروش گذاشته می شود. موزه بغداد قبل از غارتگری امپریالیسم آمریکا یکی از بزرگترین مجموعه های باستان شناسی جهان بود. روشن است که این حجم عظیم از آثار باستانی و دستاوردهای هنری بشریت نمی توانسته بدون تمایل و همکاری امپریالیستها در جیب بغل آفتابه دزدها به بازارهای اروپا و آمریکا حمل و نقل شود.

همشهری آنالین از قول یک باستان شناس عراقی نوشت: "امریکا هزاران قطعه از «گنجینه های فرهنگی عراق» را در زمان جنگ این کشور به سرقت برده است. به گزارش شبکه پرس تی وی، احسان فتحی، باستان شناس و معمار عراقی در مصاحبه با شبکه راشاتودی گفت: «نزدیک به ۳۵ هزار قطعه بزرگ و کوچک تاریخی از موزه ملی عراق ناپدید شده است.»

وی در ادامه تصریح کرد «امریکا اسناد زیادی را که به لحاظ تاریخی از اهمیت زیادی برخوردارند و نمی توان برای آن ها ارزش مالی تعیین کرد از عراق خارج کرده است.» این باستان شناس عراقی افزود: «سکه های زیادی به سرقت رفتند... هر آن چیزی که در بانک مرکزی و دیگر بانک های عراقی بود بدون هیچ سندی به امریکا فرستاده شدند و اکنون در آرشیوها نگهداری می شوند.»

این امپریالیستها، داعش های مدرن و غارتگر هستند که نماد توحش و دشمنی با تمدن و فرهنگ ملیتها می باشند و هیچکدام از آنها نیز "اسلام" نیاورده اند. آنها بودند و هستند که آثار باستانی و میراث فرهنگی ملیتها را دزدیده و در موزه های لوور در فرانسه، موزه بریتیش در بریتانیا، و موزه پرگامون در برلین و در موزه مترو پولیتن در نیویورک به نمایش می گذارند.

مونیور بوچنای، معاون مدیر کل فرهنگ در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان

ملل (یونیسکف)، در ماه مارس با صدور بیانیهای اعلام کرد بیش از ۱۵ هزار اثر نقاشی مدرن و مجسمه از موزه هنرهای زیبای بغداد در زمان حمله امریکا به عراق و اشغال این کشور به سرقت رفته اند.

در بیانیه بوچنای آمده است: «این سرقتها یک فاجعه فرهنگی واقعی است.»

**رویدادهای مظنون**

یکی از رویدادهای مظنون تجاوز ارتش ترکیه به سوریه است. بر اساس اعلام رسمی نخست وزیر ترکیه، ۷۰۰ نفر از نیروهای ویژه ارتش ترکیه با استفاده از ۱۰۰ دستگاه خودروی نظامی از جمله ۳۹ فروند تانک برای عملیات خارج سازی نیروهای محافظ مقبره سلیمان شاه وارد خاک سوریه شدند. این عملیات بدون هیچ درگیری نظامی به اتمام رسیده و تنها یک سرباز بر اثر حادثه ای که جزئیات آن اعلام نشده است، کشته شد. حضور این ارتش عظیم در سوریه برای حمل یک جنازه از این کشور خودش شک برانگیز است. به احتمال قوی دولت ترکیه از این طریق نیازهای تسلیحاتی و تدارکاتی ارتش داعش را برآورده کرده است.

این مقبره سلیمان شاه در ساحل رود فرات، در شمال سوریه و ۴۰ کیلومتری مرز ترکیه در داخل خاک سوریه قرار دارد. این مقبره در زمان امپراتوری عثمانی قبل از شکست و تجزیه ترکیه در جنگ جهانی اول در منطقه سوریه که بخشی از خاک عثمانی بوده قرار داشته است. به رغم اینکه این مکان در خاک سوریه قرار دارد، اما بر اساس قرارداد لوزان (۱۹۲۳)، منطقه **مذکور** (و نه هر منطقه ای در داخل خاک سوریه-توفان) در اختیار ترکیه قرار گرفت و همواره ۴۰ نفر از نیروهای نظامی ترک در این منطقه حضور دارند. مطابق منطق داعش باید مقبره سلیمان شاه ترک نیز همزمان با غارت موزه موصل و تخریب آثار و ابنیه تاریخی در سوریه و عراق مورد تجاوز و تخریب این جهادگرایان قرار می گرفت. ولی آنها از این امر خودداری کردند و چنین بنظر می آید که تجاوز نیروهای ترکیه و انتقال مقبره سلیمان شاه به نزدیکی مرز ترکیه و اشغال غیر قانونی بخشی از خاک سوریه که در مغایرت کامل با قرارداد لوزان قرار داشته در هماهنگی کامل با غارت موزه موصل و تخریب ابنیه و آثار باستانی در سوریه و عراق صورت گرفته است. داعش دولت ترکیه را در جریان اهداف شوم خود قرار داده است تا خطری متوجه مقبره سلیمان شاه نشود. مورد دوم گفتار ائیل النجیفی، استاندار نینوا در مصاحبه با شبکه العربیه می باشد. وی اظهار داشت: "قاچاق آثار تاریخی یکی از مهم ترین منابع تامین مالی گروهک تکفیری داعش است و اقدام اعضای این گروه به تخریب آثار باستانی منطقی نیست؛ زیرا آنها به خوبی از ارزش مالی این آثار آگاهی دارند". طبیعتاً این پرسش مطرح می شود گروه داعش که تا کنون از این طریق نیازهای مالی خویش را تامین می کرده است چگونه به فکر تخریب این آثار فرهنگی افتاده، اهدافش را با دولت ترکیه هماهنگ ساخته و یک ویدئو نیز در مورد این تخریبات تهیه و پخش کرده است؟

النجیفی در این ... ادامه در صفحه ۴

**داعش دست دراز شده...**

زمینه گفته است: "پیش از سال ۲۰۰۳، بسیاری از آثار تاریخی از موزه موصل به موزه ملی در بغداد منتقل شد.

به جای آثار تاریخی موجود در موزه موصل، مجسمه های ساخته شده از گچ قرار داده شد... بیشتر آثار تاریخی که در نوار ویدئویی منتشر شده از طرف داعش تخریب می شود، در واقع **مجسمه های گچی** است و اصل نیست. فقط دو اثر تاریخی واقعی این موزه در این تصویر تخریب می شود." کسانی که به نخستین ویدئوی پخش شده توجه کردند، شاهد بودند که حداقل در درون یکی از این مجسمه های گچی در زمان تخریب میله های آهنی ظاهر می شوند که برای نگهداری بدنه مجسمه از آنها استفاده شده است. طبیعی است که در سه هزار سال پیش نمی توانستند از میله های آهنی برای ثبات و استحکام مجسمه های گچی استفاده کنند. خوانندگان می توانند به دقیقه ی یک این ویدئو نگاه کنند تا مجسمه ای را که با میله های آهنی مستحکم شده ملاحظه نمایند. در بسیاری از ویدئوهای دیگر این صحنه مهم سانسور شده است. (<http://youtu.be/1io81CM3OVc>).

به این جهت سخنان النجیفی عراق امیز به نظر نمی رسد. بنظر می رسد که جهادیه های داعشی قبل از تخریب آثار عتیقه و میراث فرهنگی با هماهنگی با قاچاقچیان بین المللی هر آنچه را که لازم بوده به فروش رسانده و هر آنچه که فروششان دیگر مقدور نبوده است متلاشی کرده اند تا تمام رد و آثار دزدیها و غارت آثار ارزشمند و گرانبهای تمدن بشری از بین برود و امپریالیستها با خیال راحت بتوانند این آثار را به خارج از عراق و سوریه با همدستی دولت ترکیه منتقل کنند. آنها از روی خشم بخشی از این آثار را که به تقلبی بودن آنها پی برده اند متلاشی کرده اند. غارت موزه موصل بیشتر به صورت تبلیغاتی و پرده پوشی غارتگری تجلی می کند. فقط با این تفسیر است که می توان این تناقضات را توضیح منطقی داد.

**اسلام و نابودی میراث فرهنگی**

گفته می شود که "قوم تازی" پس از حمله به امپراتوری ایران بسیاری از آثار فرهنگی و تاریخی ایرانیان را از بین برد. اینکه در حین جنگ و نه تنها جنگ میان ایران و اعراب آثار فرهنگی متلاشی شوند امر جدیدی نیست و تنها نیز به جنگ مسلمانان با سایر ادیان و یا با سایر ملتها نیز محدود نمی شود. در تجاوز مغولان و هجوم قبایل ترک آسیای میانه به ایران وضع بهتر از آن نبود. مسیحیان بسیاری از آثار تاریخی بشری را در جنگهای صلیبی تخریب کردند و به آتش کشیدند. یونانیان تخت جمشید را آتش زدند. همین امروز امپریالیستها به راهزنی و غارت آثار هنری، باستانی، تاریخی و ملی ممالک تحت ستم اشتغال دارند و ما شمه ای از این غارتگری را در بالا ذکر کردیم. ولی اگر واقعا تبلیغات اسلام ستیزان درست باشد، آنوقت ما با مشکل غیر قابل توضیحی روبرو می شویم و معلوم نیست چگونه می توان بقاء این همه آثار تاریخی و میراث فرهنگی بشریت را از هزاران سال پیش از اسلام در اورشلیم و یا ممالک مورد تصرف مسلمانان تا به امروز توضیح داد؟ چگونه می شود توضیح داد که از صدر اسلام تا کنون، از زمان محمد پیامبر

پیش برد. داعش دست پرورده مزدور امپریالیستها و در خدمت آنها گام می گذارد. امپریالیسم می خواهد با کشیدن علامت تساوی میان اسلام و داعش به اهداف شوم دیگری دست پیدا کند که اسارت مردم خاور میانه در بطن آن نهفته است. این امپریالیستها هستند که غارتگر اصلی و نابودگر همه آثار تمدن و فرهنگ و میراث و دستاوردهای تاریخی بشریت اند. جنگهای امپریالیستی و بمبارانهای اتمی و باقی گذاردن زمین سوخته بهترین گواه ماهیت این داعشیان مدرن است. هیچگاه در تاریخ تجاوزات به ایران، مردم میهن ما چنین زجر و فجایعی را که از جانب دخالتهای امپریالیستها اعمال می شود ندیده بودند.

\*\*\*\*\*

**امپریالیسم آمریکا در راه دخالت...**

- همانطور که در بالا آمد ماجرا از اعلام رسمی درگیری و ستیز اواما با ونزوئلا تحت ادعای واهی خطر امنیتی برای آمریکا از سوی این کشور در ۹ مارس ۲۰۱۵ آغاز گشت.

- نیکلاس مادورو در تاریخ یکشنبه ۱۴ مارس ۲۰۱۵ در پارلمان اختیارات وسیع در ارتباط با تجاوز محتمل آمریکا به کشور ونزوئلا بدست آورد. طرح این قانون در تاریخ چهارشنبه ۱۱ مارس ۲۰۱۵ - یعنی دو روز پس از شروع درگیری - در پارلمان تحت عنوان «قانون ضد امپریالیستی» آورده شد. طبق این قانون جدید نیکلاس مادورو Nicolás Maduro Moros می تواند هر زمان و هر کجا که خطر تجاوز به ونزوئلا و تهدید صلح از سوی آمریکا و یا هر نیروی دیگر پدید آمد، تا مدت یکسال در زمینه های گوناگون مقررات قانونی تنظیم و اجرا نماید.

- در تاریخ سه شنبه ۱۰ مارس ۲۰۱۵ دولت کوبا تحت بیانه ای رسمی، سخنان اواما و تهدیدات آمریکا را سخت محکوم کرد. در این بیانه تحریم های اعلام شده به عنوان «اعمال خودسرانه و تجاوزگرانه» ارزیابی شده و چنین می آید: «چنین اظهاراتی از سوی دولت آمریکا درست در سالی که انتخابات پارلمان در پیش است یک بار دیگر ماهیت دخالت گرایانه ای را نشان می دهد که سیاست خارجی آمریکا را تعیین می کند».

- در تاریخ شنبه ۱۴ مارس ۲۰۱۵ در ونزوئلا مانور مشترک ارتش و نیروهای مسلح مردمی صورت پذیرفت. چنانچه تلویزیون دولتی VTV گزارش داد، در این مانور نظامیان روس نیز شرکت دارند تا طریقه استفاده درست از BM ۳۰ (سامانه پرتاب متعدد راکت ساخت روسیه) را بیاموزند.

- ارتش آمریکا روزهای شنبه ۱۴ و یکشنبه ۱۵ مارس اقدام به یک مانور وسیع در جزیره پورتوریکو (PUERTO RICO) کرد. همان جزیره ای که در طول قرن گذشته پایگاه مهمی برای تجاوز امپریالیسم آمریکا به کشورهای منطقه محسوب می شده و هنوز نیز هست.

جالب آن است که اواما تهدید جدید خود در قبال ونزوئلا را بر اساس NATIONAL EMERGENCIES ACT "قانون حالت اضطراری ملی" (NOTSTANDGESETZ) که در سال ۱۹۷۶ به تصویب رسیده بود و در سال ۱۹۷۹ بر علیه ایران به کار... ادامه در صفحه ۵

مسلمانان و خلافت خلفای راشدین و بعد از آنها، از زمان بنی امیه و بنی عباس و... که در ایران، عراق، شام و سوریه، در فلسطین و اورشلیم در مصر و شمال آفریقا تا اندلس در اسپانیا حکومت می کردند و به این ممالک تاریخی تسلط داشتند، تمام میراث فرهنگی این مردم از تخت جمشید گرفته تا بیستون، پاسارگاد، نقش رستم، تمدن آسوری ها، سومری ها، بابلی ها، آثار حمورابی و گیلگمش، مجسمه های فراغت و اهرام ثلاثه، بقایای تمدن کارتاژها و... باقی مانده و مورد تخریب ارتش اسلام قرار نگرفته است. کتابخانه اسکندریه دست نخورده باقی ماند و جنوب اسپانیا به مرکز همکاری تمدن اسلامی، یهودی و مسیحی بدل گردید. اندلس تمدن آسیای میانه و یونان و ایران و میانرودان را با تمدن مصر و اسپانیا بهم پیوند داد و در هم آمیخت و به شکوفایی فرهنگ بشری میدان داد. و این مسیحیان بودند که با قتل عام مسلمانان و یهودیان در این منطقه بیک دوران پر بار تاریخی تمدن بشریت و شکوفایی دانش و هنر پایان دادند. هنوز تأثیرات معماری اسلامی را (کاخ الحمرا در شهر گرانادا (غرناطه)) که نقش سازندگی داشت و نه تخریب در اسپانیا به وضوح می بینیم. چرا مسلمانان در آن دوران ابن سینای دانشمند، ذکریای رازی، جابرین حیان، خوارزمی، حکیم عمر خیام نیشابوری را به طناب دار ن بستند و از تدریس و یا تحصیل آنها ممانعت به عمل نیاورند؟

اسلام ستیزان امروزی که تاریخ بشری را مجرد و غیر طبقاتی و بر اساس منافع روز صهیونیستها و امپریالیستها توضیح می دهند، به توحش داعش برای تخریب فرهنگ مردم خاور میانه و وحشی جلوه دادن آنها در افکار عمومی مردم جهان نیاز دارند تا راه تجاوز و آدمکشی امپریالیستها و توجیه توسعه طلبی های آنها را برای غارت منابع طبیعی این مناطق باز کنند و دلایل توجیهی برای این وحشیگری امپریالیستی بیابند. آنها از اسلام و هابی سخن می گویند، ولی همین وهابی ها نیز حاضر نیستند سنگ سیاه کعبه را که مردم بدور آن طواف می کنند و میلیارد دلار سالانه به جیب خانواده آل سعود می ریزد بر اساس اعتقادات ادعائی خویش که نسخه آنرا برای همه می نویسند نابود سازند. در اینجا ما از میلیاردها دلار ثروتی سخن می رانیم که از درآمد نفت عربستان سعودی به مراتب بیشتر است و به عاملی اساسی برای اسارت ملتها و تهدید و تحدید حقوق دولتها بدل شده است. اسلام ستیزی در امروز و این نمایشات سازمان یافته و صحنه سازیهای مشتمل کننده به کارگردانی امپریالیسم و صهیونیسم وسیله توجیه نژادپرستی و تحقیر ملتها و اقلیتهای مسلمان در ممالک غیر مسلمان است. اسلام ستیزی ابزاری در دست صهیونیسم برای اشغال فلسطین و تاراندن و نسل کشی فلسطینیهاست. داعش و القاعده و الزرقاوی و البغدادی و... ابزاری در دست دشمنان بشریت برای توجیه سلطه گری و اختناق و سرکوب و انحراف مبارزات خلقها و سازمانهای مترقی ضد امپریالیستی در جهان هستند. باید این سیاست را شناخت و مبارزه با دین به عنوان مظهر جهالت بشریت را بر متن مبارزه ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی، با مضمون سیاسی و در متن مبارزه طبقاتی به

**دین امر خصوصی است و باید از دولت و آموزش جدا شود**

**امپریالیسم آمریکا در راه دخالت...**

برده شد و با تکیه بر آن قرار داده است. بدین ترتیب بیهوده نیست که نه تنها از سوی ونزولا بلکه از جانب اکثر متخصصین امور سیاسی بمثابة اعلام جنگ محسوب می شود. پس از تحریکات مداوم از سوی اپوزیسیون ارتجاعی وابسته و پشتیبانی دولت آمریکا از آنان و پس از دستگیری شهردار کاراکاس که مخرب و توطئه گر از کار درآمد، یعنی پس از شکست

عوامل درونی امپریالیسم در ونزولا این اعلام ستیز و دشمنی علنی با دولت ونزولا ظاهراً برای قدرت نمایی و ایجاد هراس در نیروهای انقلابی ونزولا انجام پذیرفته است. اما در واقع بیش از آن چه علامت قدرت و برتری موقعیت سیاسی امپریالیسم آمریکا در قبال ونزولا و اساساً آمریکای لاتین و جنوبی باشد، نشانه یک خدعه سیاسی است برای آنکه در سرنوشت سیاسی ونزولا و بویژه در نتیجه انتخابات پایان سال ۲۰۱۵ که در ونزولا صورت می

پذیرد، دخالت کرده و به سود نیروهای ارتجاعی طرفدار سیاست نئولیبرالی تأثیر گذارد. شاید نیز در صورت عدم موفقیت و پیروزی مجدد نیروهای انقلابی به رهبری نیکولاس مادورو (Nicolás Maduro Moros) در ونزولا با یک انقلاب رنگین جدید روبرو شویم. مقاومتی که در این مدت کوتاه از سوی مردم انقلابی ونزولا و خلق های مبارز دیگر کشورهای آمریکای لاتین صورت پذیرفته و هم چنین مبارزات و اعتراضات متفاوتی که از سوی سازمان ها، نهادها و محافل مترقی و ضد امپریالیستی جهان در کنار تظاهرات گوناگون در کشورهای مختلف صورت پذیرفته، طلا به دار پیروزی خلق قهرمان ونزولا و شکست مرتجعین این کشور به رهبری امپریالیسم آمریکا و نشانه آن است که انقلاب رنگین محتمل آمریکایی در ونزولا امکان موفقیت نخواهد داشت.

حال اشاره ای کوتاه می کنیم به مقاومت ها و مبارزاتی که در برابر تهاجم سیاسی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا صورت پذیرفته است:

- تظاهرات وسیع در کاراکاس به تاریخ چهارشنبه ۱۸ مارس ۲۰۱۵.  
- تظاهرات در کشورهای مختلف آمریکای جنوبی منجمله آرژانتین، پاراگوئه، بولیوی، اکوادور، کوبا و همچنین برخی کشورهای دیگر جهان منجمله اسپانیا، روسیه و...  
- جمع آوری امضاء بر علیه تصمیم دولت اوپاما که از تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۱۵ در ونزولا شروع شده است.

- همچنین دو اتحادیه زیر طی نامه هایی به دولت آمریکا اعتراض کردند و خواهان انصراف این دولت از تصمیم خویش شدند:

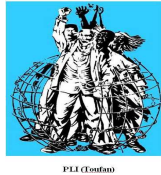
۱- اتحادیه ملل آمریکای جنوبی (Union of South American Nations, USAN)  
۲- پیمان بولیواری خلقهای آمریکای ما (Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America)

در عین حال به نظر می آید که اتحادیه اروپا و

یا حداقل کشورهای اسپانیا و فرانسه با تکرار نمونه ایران چندان موافقت از خودشان نشان نداده اند؛ اگرچه همین اتحادیه اروپا و به ویژه آلمان که ستون اساسی این اتحادیه است، در برابر سیاست چنگال انداختن و تضعیف روسیه از سوی آمریکا علیرغم مخالفت های اولیه و یا مقاومت های کم و بیش خود به ناچار تسلیم اوامر و امیال استراتژیک امپریالیسم آمریکا گشت. آیا سیاست اتحادیه اروپا در قبال ونزولا

**از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!**

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS



نمی تواند در جهت همراهی با سیاست و استراتژی ماجراجویانه و جنگ طلب امپریالیسم آمریکا قرار گیرد؟ و در این جا عامل تعیین کننده همانطور که قبلاً اشاره شد، نیروی مبارزه و مقاومت خلق ونزولا در وحله نخست و سپس خلق های جهان و مردم آزاده و ضد امپریالیستی است که نمی خواهند کشوری و مردمی زحمتکش قربانی مطامع امپریالیسم آمریکا گردند.

سفیر ونزولا در برلین در تاریخ پنجشنبه ۱۲ مارس ۲۰۱۵ در یک بیانیه عمومی خطاب به افکار عمومی چنین می نویسد: «... محتوای اظهاریه او (اوپاما - توفان) هرگونه اعمال ضد قانونی و قهرآمیز بر ضد خلق و دولت ونزولا را تیرنه می کند. ما را به عنوان خلقی که امنیت ایالات متحده را تهدید می کند، قضاوت کردن، چیزی نیست بیش از کوشش وقیحانه ای برای پوشاندن منافع تجاوزگرانه حقیقی او که در تضاد کامل با انقلاب بولیواری قرار دارد.

ما در طول ۲۰۴ سال استقلال کشور خود هرگز جنگی با کشورهای همسایه خود شروع نکرده ایم. ما ملتی هستیم که صلح و همبستگی را هدف خود قرار داده ایم. حتی در شرایط کنونی بهای نازل نفت و تضعیف نیروی مالی خویش و وظائف خود را در قبال خلق خود، خلفهای برادر در آمریکا، آسیا، خاورمیانه، در آفریقا و اروپا که کمبود نفت دارند، فراموش نمی کنیم.» (نقل قول از نشریه یونه ولت JUNGE WELT ۱۳ مارس ۲۰۱۵).

همچنین در خطابه ای که به زبان انگلیسی در شبکه شبکه ها برای حمایت از حقوق بشر (Netzwerk der Netzwerke zur Verteidigung der Menschenrechte) توسط عده ای از روشنفکران و روزنامه نگاران بین المللی از جمله رامزی کلارک (Ramsy Clark)، ایستوان مزاروس (István Mészáros)، هرماندو (Hernando Calvo Ospin) و... انتشار یافته، می خوانیم:

«ما روشنفکران، هنرمندان، جریانات

اجتماعی... بیانیه جدید اوپاما و امپریالیسم آمریکا را علیه جمهوری بولیواری ونزولا که مستقیم و صریح صلح و حاکمیت آمریکای ما را به خطر می اندازد، محکوم مینمائیم. ما بر آنیم که بیانیه «حق اضطراری ملی» در آمریکا (منظور همان اعلام تحریم و تهدید ونزولا از سوی اوپاما است - توفان) تحت لوای تهدید از سوی ونزولا یک اعلام جنگ صریح بر علیه انقلاب بولیواری و گامی بیشتر در جهت گسترش خفقان از سوی ایالات متحده است تا فریادهای ضد امپریالیستی را که در میهن بولیواری و چاوز بر خاسته اند و در سراسر قاره طنین انداخته اند در گلو خفه سازد. ما به خلق های جهان هشدار می دهیم که این بیانیه اوپاما امکان یک تجاوز علنی را به میهن آزاد بولیوار بیش از پیش متحمل ساخته است. ما تمام نیروهای ضد امپریالیست را مخاطب قرار می دهیم که صدای خود را علیه توهینات و دروغ هایی که رسانه های جهانی با مخدوش کردن واقعیات و جلوگیری از بیداری و هشیاری یک خلق، مدام منتشر می سازند، به گوش مردم برسانند.

ما در طی این حوادث یعنی از اعلام ستیز و جنگ علنی بر علیه ونزولا - ۹ مارس - تا کنون شاهد تهدیدات، مانورهای نظامی و اعلام مواضع گوناگون بوده ایم. آنچه روشن است، هدف آمریکا دخالت در انتخابات آخرسال در ونزولا است. و از این طریق تغییر رژیم در کشور بولیوارها. شرایط جهانی و بحران های متمرکز در خاورمیانه از یکسو و در اوکراین از سوی دیگر عاملی منفی اند برای آن که توجه مردم جهان متوجه این کشور کوچک ولی از لحاظ سیاسی مهم به گردد. وظیفه همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست و در صف اول کمونیست هاست که توجه خود را تنها در مراکز بحرانی - اگرچه ناگزیر باشد - محدود نساخته و آماده تغییر شرایط و نتیجتاً تمرکز مبارزه افشاگرانه در گره گاه جدید و یا دیگری که بوجود آمده باشند. چنین است وظیفه کمونیست ها در عرصه بین المللی در جهت تضعیف و مبارزه با امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا از یکسو و همبستگی با خلق های زحمتکش جهان و دفاع از مبارزات به حق آنان در قبال تجاوزات و تهدیدات امپریالیسم از سوی دیگر. بنابر این نگذاریم که مبارزات به حق و ضد امپریالیستی خلق های جهان از دیدگاه ما به دور افتد، چون احتمالاً دور از ما هستند.

نگذاریم که پیوند انترناسیونالیستی ما با دیگر خلقها و زحمتکشان تبدیل به پیوند ما تنها با خلق های کشورهای مناطق حاد بحرانی شود. نگذاریم که آنچه فعلاً عمده است و ضرورتاً توجه عمده ما را به خود معطوف می سازد و وظیفه مهم ما را به خود معطوف می کند، ما را دچار فراموشی سازد از آنچه موقتا غیر عمده است ولی جاری است و وجود واقعی - اگرچه غیر عمده - دارد ولی شاید می تواند در آینده ای حتی به زودی ... ادامه در صفحه ۶

**تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است**

**امپریالیسم آمریکا در راه دخالت...**

عمده گردد، امپریالیسم جهانی است به ویژه امپریالیسم آمریکا. این امر که او نیروی عمده خود را در مناطق نفت خیز، و زمانی قبل در افغانستان و یا حتی ویتنام تمرکز داده و یا می داده است، ما را نباید دچار این اشتباه سازد که او شاید بقیه جهان را فراموش کرده است. ونزولا و شاید در آینده ای نزدیک همه آمریکای لاتین و آمریکای جنوبی لقمه تازه و چرب امپریالیسم آمریکا خواهند بود. خود را آماده همبستگی بیشتر با خلق های این قاره و مبارزه با تهاجم امپریالیستی آمریکا در این منطقه سازیم حتی با نیروی اندک.

\*\*\*\*\*

**"ارزشهای غربی" ایزاری...**

رسانه های گروهی، شما شاهدید که از "ارزشهای غربی" که ارزشهای ایدالی هستند سخن می رود. این "ارزشها" برای آنها حقوق شهروندی و حقوق دموکراتیک است. از جمله "آزادی بیان"، "آزادی قلم"، "آزادی اتحادیه ها و سازمانهای صنفی"، "آزادی احزاب" و... این "ارزشها" طبیعتاً محصول مبارزه میلیونها انسان تحت ستم بر ضد طبقات حاکمه بوده است که در طی انقلابات فرانسه و آمریکا برای بشریت به ارمان آورده است. ولی در دوران امپریالیسم این "ارزشها" بر پایه سستی استوار است. در خود ممالک امپریالیستی برخلاف قانون اساسی خود این کشورها مدام به زیر پا گذاشته می شود و از حدود نفوذ آن کاسته می گردد. مردم این کشورها باید مدام بر ضد نظام شوند، دروبینهای مخفی و ربودن و دستبرد زدن دولتی به داده ها و اطلاعات خصوصی آنها، بر ضد تعرض به حریم خصوصی خویش مبارزه کنند. روزی نیست که طبقه حاکمه یکی از این کشورها، این حقوق را نابود ننماید. طبقه حاکمه در ممالک امپریالیستی به این حقوق دموکراتیک تا لحظه ای وفا دارند که منافع سیاسی طبقاتی آنها تامین شود وگرنه در مورد انتخابات آزاد در سایر کشورها که نتایج آن مطابق میل آنها نباشد همیشه به دروغ متوسل می شوند و آنرا به رسمیت نمی شناسند. رای اکثریت برای آنها تا زمانی معتبر است که منافع آنها را بازتاب دهد. این محافل امپریالیستی برای سرکوب آزادی بیان و قلم و احزاب و... با همه نیروهای ارتجاعی در ممالک تحت سلطه همکاری می کنند و به آنها یاری می رسانند که مخالفان را سر به نیست کنند. همدستی آنها با دول عربی عربستان سعودی و قطر در آسیا، بن علی در تونس، مبارک در مصر و... گواه این حقایق اند. پس می بینیم که "ارزشهای" آنها "ارزشهای" بی محتوی و پوچی شده است که مانند لاستیک به هر طرف که بکشند قابل انعطاف باشد. امپریالیسم آلمان حتی جنایاتی را که در دو جنگ جهانی مرتکب شده است وارونه جلوه می دهد. کشتار چند میلیون یهودی برجسته شده و قتل عام ۲۵ میلیون مردم شوروی بیک باره در تاریخ "ارزشهای اروپائی" نادیده گرفته می شود. فرانسه، انگلستان، بلژیک، پرتغال، اسپانیا، هلند و ایتالیا به منزله نیروهای استعمارگر که قرنهای آسیا، آفریقا و آمریکای

**توفان در توئیتر**  
**Toufanhezbkar**  
**حزب کار ایران (توفان)**  
**در فیس بوک**

**Toufan HezbeKar**

لاتین را غارت کرده و میلیونها مردم آن سرزمینها را به وحشیانه ترین وضعی کشتار می کردند نیز بیکباره این ارزشهای آدم کشی، آزادی کشی، غارتگری، نژادپرستی و... را از تاریخ خود حذف می کنند و به "ارزشهای اروپائی" که باید برای آن جنگید و آنرا حفظ کرد متوسل می شوند. در اسپانیای سلطنتی فرانکو، هنوز مانع می شوند که گورهای دستجمعی جمهوریخواهان را که بدست سلطنت طلبان و حمایت فاشیستها و نازی های ایتالیا و آلمان قتل عام شدند، نبش قبر کنند و ابعاد جنایات سلطنت طلبان و نازی ها و فالانژیستها را نشان دهند. باید پرسید کدام "ارزشها" مورد نظر است؟ چگونه امکان دارد همه آن دولی که آزادی و دموکراسی را در خون غرق کرده اند و تاریخشان تاریخی مملو از خون طبقه کارگر و ملت های جهان است، بیکباره هوادار "آزادی بیان" و "آزادی قلم" و... گردیده اند. روشن است که این تبلیغات زهر آگین برای ایجاد رعب و وحشت و دامن زدن به یک جنگ روانی نابرابر توسط رسانه های گروهی دروغ پرداز غرب است. هدف از این کار تحقیر سایر ملتها و مردم جهان است تا دست امپریالیستها را از نظر روانی در کشتار آنها و توجیه این جنایات در افکار عمومی ملل سلطه گر باز بگذارد. با این سیاست بهتر می شود تجاوز به لیبی، سوریه، عراق، افغانستان، لبنان، فلسطین و... را بخورد مردم داد. بی علت نیست که رونالد رامفلد وزیر اسبق جنگ آمریکا و یکی از جنایتکاران جنگی در تجاوز به عراق اعلام کرد "پروبردار بنادارستی نفت آمریکا را در زیر خاک عربستان سعودی قرار داده است."

\*\*\*\*\*

**فراخوان بمناسبت بیستمین...**

کشورهای امپریالیستی است. این تصادم خود را بیشتر از همه در تشکیل و ساختمان دوباره دستجات اقتصادی، نظامی و بر پائی پایگاههای نظامی در پنج قاره نشان می دهد. "جهان یک قطبی"، که ایالات متحده "قدرت رهبری" آن بود، به تدریج تحلیل می رود، برای اینکه روشن شود چه کسی به چه مناطقی برای غارت منابع تسلط یابد، کشورهای امپریالیستی جنگ بیرحمانه ای را آغاز نموده اند. آنها در تلاش برای این تسلط در مقابل رقیبان خود، به تضادهای ملی دامن می زنند تا به پشتیبانی خلقهای تحت ستم دست یابند. این تصادمات بین آنها تا حد برخورد های نظامی تشدید می شوند، که ما آنرا بعد از سوریه در اوکراین مشاهده می کنیم، و این نشانگر آن است که این تضادهای بین امپریالیستها تعمیق می یابند.

هنوز تا چند دهه پیش، سرمایه داران و بلندگویان آنها "پایان تاریخ"، "ابدیت سرمایه داری" را جار می زدند. اعلان "یک نظام جدید"، جامعه ای شکوفا، بدون بحران و در صلح، سرمایه داری ای که خود را "نوسازی می کند" عرضه می داشتند، که بر پایه یک "سرمایه داری گلوبالیزه شده" بنا شده است، که در او "طبقات و مبارزه طبقاتی از بین می رود"، اما هم اکنون آنچه تشدید می یابد، تنگدستی است و نه رفاه. ما در چند دهه اخیر به جای صلح با جنگ، کودتاها و عدم اعتماد به دیکتاتورهای روبرو می باشیم.

خیر، سرمایه داری نمی تواند به کارگرانی که با نیروی کار خود در کارخانه ها و موسسات، در مزارع و دفاتر خود به سر می برند، بیکارها، فقرا در شهر و دهات، نه یک کار منظم و نه یک مزد مناسب، نه شرایط قابل تحمل و نه صلح، رفاه و یک آینده امن عرضه کند! کاملاً برعکس: تحقق این نابرابری ها، موجب شورش تمام کارگران و شاغلان می شود تا قدرت سرمایه را سرنگون کنند.

از زمان مبارزه برده ها علیه برده داران، مبارزه برای تصاحب قدرت در جوامع طبقاتی، جوامعی که صحنه مبارزه طبقات بودند، همیشه تصاحب قدرت به وسیله یک طبقه از ستمگران به خرج طبقه دیگری تمام شده است. سرمایه داری نیروهای مولده را تا به آن درجه گسترش داده، که چارچوب مناسبات مالکیت موجود را منفجر می کند. علاوه بر آن، سرمایه داری طبقه کارگر را هر چه بیشتر وسعت بخشی و او را دانما آموزش داد. او همچنین شرایط اجتماعی ای را بوجود آورد، که در آن قدرت یک طبقه استثمار شونده به جای قدرت یک طبقه استثمار کننده، بتواند عملی شود. این تکامل تاریخی و اجتماعی به طبقه کارگر وظیفه ای تاریخی ای را دائر بر ساختمان یکدوره گذار، یعنی سوسیالیسم، که سلب مالکیت کنندگان را سلب مالکیت کند و طبقات و روابط استثمار طبقاتی را برچیند، محول کرده است.

طبقه کارگر برای اولین بار خود را در قرن نوزده علیه ستمگری سرمایه، در قیامهایی که سراسر منطقه اروپا را در بر می گرفت نشان داد و برای مدت کوتاهی قدرت را در سال

۱۸۷۱ در پاریس... ادامه در صفحه ۷

**حاکمیت رویونیسم، دیکتاتوری بورژوائی است و نه دیکتاتوری پرولتاریا**

**فراخوان بمناسبت بیستمین...**

بدست آورد. وی سپس قدرت طبقه سرمایه دار را در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، در روسیه سرنگون ساخت، خود را به عنوان طبقه حاکم سازمان داد و ساختمان کشور شوراها را، در مدت نزدیک به چند دهه باگامهای بزرگی در راه از بین بردن استثمار انسان از انسان پیش برد.

ما، احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیستی تمام جهان که در کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیستی گرد هم آمده ایم، به مناسبت بیستمین سالگرد تشکیلاتمان، طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم را فرا می خوانیم، که خود را علیه بورژوازی بین المللی و امپریالیسم متحد و از نو مبارزه برای آزادی را تشدید کنند. دنیائی که به استثمار کننده و توده استثمار شونده، یعنی دنیائی که به حاکمان امپریالیسم و توده های استثمار شونده تقسیم شده است، به سوی دوران جدید دگرگونی ها و انقلابات می رود.

سرمایه داری که برای توده های استثمار شونده، چیزی برای عرضه ندارد، هر چه بیش از پیش در تاریخ، شرایط سوسیالیسم را مهیا می

کند. اکنون می توان از بلوغ طبقه کارگر چه از نقطه نظر کمی و چه از نقطه نظر کیفی سخن گفت. طبقه کارگر و زحمتکشان با آموزش از تجربیات مبارزات سندیکائی و مبارزات سیاسی خویش و بیش از همه مبارزات توده ای در بسیاری از کشورها، سازمانهای خود را بطور قابل ملاحظه ای تحکیم می بخشند. اگر چه انقلابات در برخی از کشورها مانند تونس و مصر، هنگامیکه طبقه کارگر در راس آن قرار داشت، از آنها ربوده شد، ولی آینده به طبقه کارگر و کارگران جهان تعلق دارد، که با آموزش از تجربیات اساسی آن، همچنان به پیش تازند.

باید دانست، که دستاوردها و تجربیات امواج عظیم انقلابی و مبارزات ملی و اجتماعی تمام کشورهای جهان این را اثبات می کنند، که ما از نو به یک پیروزی دست خواهیم یافت، و این بار با نیروی بیشتر و دامنه وسیعتر. مبارزات ما که برای آزادی ملی و اجتماعی، هر باره اشکال ویژه و بنا بر مشخصات هر کشوری راههای گوناگونی را بر می گزینند، از نقطه نظر محتوای خود، همواره دارای یک خصلت انترناسیونالیستی و بخشی از روند واحد انقلاب

جهانی پرولتری خواهند بود. این به ما مسئولیتی را واگذار می کند که وحدت خود و تشکیلاتمان را در صحنه ملی و بین المللی استحکام بخشیم. سوسیالیسم پیروز خواهد شد! زنده باد انترناسیونالیسم! پرولتاریای همه کشورهای جهان و خلقهای تحت ستم متحد شوید!

\*\*\*\*\*

**رویزیونیسم تجدید نظر طلبی در اصول مارکسیسم لنینیسم است و دیالکتیک مارکسیستی را به زیر پرسش می برد. رویزیونیسم ایدئولوژی بورژوازی است و با نفی مبارزه طبقاتی و حزبیت به نفی سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا می رسد. رویزیونیسم ضد انقلابی و دشمن طبقه کارگر است**

**(توفان الکترونیکی شماره ۱۰۵ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)**

در این شماره می خوانید:

شادباش نروزی حزب کار ایران (توفان)  
نوروزتان مبارک باد!

**پیرامون تعیین حداقل دستمزد در سال ۹۴**

**درد دل یک کارگر فلز کار درمورد وضعیت معیشتی**

**بیانیه حزب کار ایران (توفان) به مناسبت روز جهانی زن**

**فرخنده باد ۸ مارس روز بین المللی زن**

**اعلامیه حزب کار ایران (توفان) در رابطه**

**با اعدام شش زندانی سیاسی در زندان رجایی شهر کرج**

**فرجام ۱+۵**

**مناقشه هسته ای فقط یک بهانه است**

**تظاهرات شکوهمند هزاران معلم علیه فقر و تبعیض**

**یک گزارش کوتاه از تهران به مناسبت**

**روز جهانی زن**

**نتانیا هو، عربده کش جنگ افروز در کنگره آمریکا**

**اعلامیه کنفرانس بین المللی**

**ترور جنایتکارانه رفیق گوستاوو سالگادو دلگادو را شدیداً محکوم میکنیم!**

**پیام حزب کار ایران (توفان) به رفقای مکزیک**

**مصاحبه هتیت تحریریه توفان با حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست)**

**توفان الکترونیک**

شماره ۱۰۵ فروردین ماه ۱۳۹۴ آوریل ۲۰۱۵

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

[http://toufan.org/nashrie\\_tofan%20archive.htm](http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm)<https://twitter.com/toufanhezbekar><https://www.facebook.com/toufan.hezbekar><https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

**وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست**

# فراخوان به مناسبت بیستمین سالگرد "کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست" (IKMLPO)

در قرن بیست و یکم همچنان دنیا در شکاف است! این شکاف به پاس کار و سرمایه در تمام زمینه ها، بازتاب اجتماعی آشتی ناپذیری کار و اجتماعی شدن فزاینده تولید از یکسو و از سوی دیگر خصلت سرمایه داری تصاحب، که هرچه بیشتر در دست عده ای انگشت شمار متمرکز می گردد، است.

هم اکنون نیروهای علمی و مولده به حدی تکامل یافته اند، که ۵۰ سال پیش تصور آنها نمی رفت. روند تولید بیش از پیش مکانیزه شده، کاربرد فنآوری مخابرات و کمپیوتر در عرصه اجتماعی و خصوصی بسیار گسترش یافته است. علیرغم این، هر امری متضاد خود را به همراه می آورد، و ناامیدی فزاینده ای، که به سبب سامان سرمایه داری پدید گشته، بدرجه اعلان خطر رسیده است، که خود نشانگر پوسیده گی ای هست که همزمان از وی سرچشمه می گیرد، چنانچه از آخرین روزهای دولت بیزانس فرارفته اند.

در بحران سراسری سرمایه داری در سال ۲۰۰۸ که هنوز کشورهای بسیاری از آن زجر می کشند، توده های وسیع استثمار شده که سرمایه می خواست بهای این بحران را به گردن آنها بیاندازد، پی بردند که سرمایه داری سامان اجتماعی ای هست که در آن "فقر در ثروت" نشانه ویژه اوست. اقشار تحتانی جامعه را به پرداخت خسارت موظف کردن، به معنای تشدید عواقب فاجعه بار سرمایه داری است: مکانیزه کردن روند تولید در سایه مناسبات سرمایه داری، نه تنها زمان کار را تقلیل می دهد، بلکه همچنین، بیکاری، ساعات کار متغییر و تشدید استثمار به اضافه تقلیل مزد واقعی، انفجار فقر و گرسنگی، ناحقی و تبعیض، گدائی، اعتیاد، فحشاء و غیره را به همراه دارد.

این امکان که این شکاف در دنیا مورد قبول و تحمل و یا نادیده گرفته شود، به مرور کمتر می شود، و حتی نارضایتی و همچنین تلخکامی توده های استثمار شده را در برخی از کشورها به قیام وا می دارد. این رویداد از جمله در یونان، پرتغال، تونس، مصر، ترکیه و برزیل مشاهده می شود.

از سوی دیگر آشتی ناپذیری سرمایه و کار، تنها دلیل شکاف در جهان نمی باشد. ما هر روزه شاهد دره عمیقی مابین اقلیتی از دولتهای غنی، کشورهای سرمایه داری امپریالیستی و خلقهای کشورهای عقب نگه داشته شده، تکامل نیافته از نقطه نظر سیاسی، اقتصادی و مالی تحت ستم و استثمار، می باشیم، کشورهایی که اکثریت را شامل می شوند. کشورهای بزرگ امپریالیستی سازمانهای بین المللی مانند اتحادیه اروپا، منطقه آزاد اقتصادی آمریکای شمالی (نفتا)، ناتو و سازمان ملل که خود را به نام مجمع بین المللی به نمایش می گذارد منابع طبیعی خلقهای تحت ستم را چپاول می کنند، و تحمل آن را ندارند که این کشورها برای سرنوشت خویش خود تصمیم بگیرند، بطور مثال می شود آفریقا را نشان داد که غارت کرده اند، جنگلهای آمازون را که می خواهند نابود کنند، اشغال افغانستان، عراق، لیبی و سوریه را.

عرصه دیگر تصادم تضادها مابین خود انحصارات و... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party  
of Labour of Iran

No. 181 Apr. 2015

## "ارزشهای غربی" ابزاری برای جنگ روانی

سندی را که در زیر مشاهده می کنید، مستخرج از جزوه ای است که حزب کار ایران (توفان) در برخورد به ماجرای ترور نویسندگان و کاریکاتوریستهای "شارلی ابدو" منتشر کرده است. در این جزوه برخورد صحیح کمونیستها را به مسئله دین بازگو نموده و نشان داده است که اسلام سنیزی امپریالیسم و صهیونیسم نه ماهیت مبارزه علیه خرافات و نادانی و نه جنبه مبارزه با تروریسم را دارد. خود امپریالیستها و صهیونیستها بزرگترین تروریستهای دولتی بوده که در پی تشویق فاشیسم و نژادپرستی هستند. این سیاست آنها بر متن سیاست تقسیم نوین خاور میانه صورت می پذیرد. در این سند دو روئی امپریالیستها را که برخی از هموطنان روشنفکر نمای میهن ما را نیز فریب داده اند ملاحظه می کنید:

"در تمام تبلیغات... ادامه در صفحه ۶"

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکر نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی  
Postbank Hamburg  
BLZ: 20110022  
KontoNr.: 2573302600  
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

آدرس  
Toufan  
Postfach 103825  
60108 Frankfurt  
Germany